

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پانزدهم، شماره بیست و نهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵

جاماسب و تأملی بر ادبیات و اندیشه‌های مکاشفه‌ای و پیش‌گویانه*

دکتر مهدی رهبری^۱

چکیده

جاماسب، وزیر شاه گشتاسب کیانی، به سبب دانایی و به ویژه پیشگویی‌هایش، جایگاه خاصی در میان برخی مورّخین و اندیشمندان ایران و جهان دارد و نام و اندیشه‌های او به همراه ویژگی‌هایش چون حکمت و خردمندی، در نوشته‌های تاریخی و ادبی پهلوی، فارسی، عربی و غربی بسیاری در دوران قدیم و جدید راه یافته و آثار متعددی به او نسبت داده می‌شوند. بیشتر نوشته‌ها، روایت‌های نسبتاً مشابهی از وی بیان می‌دارند و به غیر از دانایی و خردمندی، او را یک پیشگو می‌خوانند که بسیاری از وقایع جهان را تا آینده‌های دور، پیش‌بینی نموده‌است. این مقاله ضمن بررسی اندیشه‌ها و جایگاه ادبی، تاریخی، سیاسی و مذهبی جاماسب، بیشتر در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش می‌باشد که آیا وی آن چنان که بسیاری معتقدند، توانایی پیشگویی آینده را داشته‌است؟ و یا این که در این باره، به جای تاریخ‌نگاری، صرفاً نوعی تاریخ‌سازی مانند بسیاری از آثار و وقایع تاریخی دیگر صورت پذیرفته‌است؟

واژه‌های کلیدی: جاماسب‌نامه، یادگار جاماسب، زَند وَهْمَن یَسَن، یادگار زریران، پیشگویی‌های تاریخی

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۹

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۷/۲۰

mehdirahbari1974@gmail.com

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران

۱. مقدمه

گشتاسب، پادشاهی از سلسله کیانیان بود که مرکز قدرتش در بلخ و دامنه پادشاهی‌اش نیز تا به خراسان و مازندران می‌رسید. زرتشت (۱۵۰۰ تا ۸۰۰ پ.م) که در سی سالگی به پیامبری برگزیده شد، تا به چهل و دو سالگی هر کجا که تبلیغ می‌نمود، از زادگاهش در آذربایجان گرفته تا دیگر سرزمین‌ها، همواره مورد غضب پادشاهان و مردم قرار می‌گرفت تا آن که سرانجام به بلخ پناه آورده و مورد حمایت پادشاه آن سرزمین، گشتاسب، قرار گرفت (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۸ و ۲۶). از طریق همین پادشاه بود که دین زرتشت به سایر نواحی گسترش یافت.

در پذیرش زرتشت توسط گشتاسب، وزیر و مشاور وی، «جاماسب»، که به دانایی و پیش‌گویی شهره بود، همراه با برادر خود، «فرشوشتر»، که او نیز وزیر خردمند گشتاسب بوده‌است و همچنین «زیر»، برادر اندیشمند شاه، نقش اصلی را ایفا نمودند و از طریق آشنایی با اندیشه‌های زرتشت، شاه را به پناه‌دادن به او و ایجاد آتشکده‌ها تشویق ساختند. زرتشت پس از ماندگاری در قلمرو گشتاسب، همسر سوم خود را از میان دختران فرشوشتر برمی‌گزیند و دخترش «پورچیستا» را نیز به عقد جاماسب در می‌آورد (پوردادود، ۱۳۸۹: ۴۳) که بدین طریق، پیوندی محکم میان‌شان به وجود می‌آید.

با ورود زرتشت به دربار گشتاسب، جلسات مباحثات و مناظرات متعددی با اندیشمندان و بزرگان مذهبی کشور برگزار می‌گردد که در این میان، زرتشت بر همگی حتی جاماسب که در دانایی نامدارترین بود، چیره می‌شود. (صد در نثر، ۱۹۰۹م: ۷۴-۷۵) بدین ترتیب، گشتاسب همراه با جاماسب، فرشوشتر، زیر و اسفندیار (پسر گشتاسب)، پس از پذیرفتن و آموختن دین از زردشت، به گسترش آن همت می‌نهند (پوردادود، ۱۳۱۰: ۴۰)؛ سپس جاماسب، اوستا را از زردشت آموخت (جکسن، ۱۳۵۲: ۷۶) و به همراه دیگر دبیران، با آب زر بر دوازده هزار پوست گاو نوشت و در کتابخانه شاهی نگاه داشت (Bailey, 1930: 55-85).

زرتشت بارها در «اوستا» از جاماسب به نیکی یاد نموده و قبل از مرگ خود، وی را به جانشینی‌اش و به عنوان نخستین موبد موبدان برمی‌گزیند (کریستن سن، ۱۳۵۰: ۱۷۶). همچنین سرپرستی آتشکده خود در کاریان پارس، موسوم به «پشته گشتاسپان» را به جاماسب می‌سپارد (کارگر، ۱۳۷۹: ۵۷۳). به سبب چنین جایگاهی ست که زرتشتیان، روان جاماسب را در بهشت، همراه با زردشت،

گشتاسب و دیگر پیشوایان این دین، در جایی بس روشن و نیکو می‌خوانند (ژنیو، ۱۳۷۲: ۵۴).

۱-۱. شرح و بیان مسئله

مسئله‌ای که از گذشته‌های دور در رابطه با جاماسب و بیش از همه در ارتباط با زرتشت مطرح بوده، این است که به این دو، پیش‌گویی‌هایی را منسوب می‌نمایند که در طول تاریخ و دوره‌های مختلف زمانی و توسط حکومت‌ها، مذاهب، گروه‌های مختلف و حتی مردم عادی، مورد بهره‌برداری به نفع خود یا علیه مخالفان قرار گرفته‌اند. حتی بسیاری از مخالفان سیاسی، جنبش‌های انقلابی و حکومت‌های بیگانه، از روی همین پیش‌گویی‌ها مورد داوری، سرزنش، سرکوب و تهاجم یا دفاع واقع شدند؛ چون گمان بسیاری بر این بوده‌است که پیشامدهای حال حاضر، قبلاً توسط افراد مقدس مورد پیش‌گویی قرار گرفته و نسبت بدان‌ها هشدار داده شده‌است، بنابراین سکوت و عدم پیشگیری در مقابل خطرها و دشمنان داخلی و خارجی فعلی به زیان حکومت، مردم، گروهی خاص و یا کشور خواهد بود. از سوی دیگر و در نقطه مقابل، هرگاه که رهبری دینی و سیاسی و جنبش اجتماعی جدیدی علیه وضع موجود به وجود می‌آید، این وقایع از سوی آن رهبران و جنبش‌ها به بشارتی نسبت داده می‌شد که پیش از این مورد پیش‌گویی قرار گرفته‌اند. این گونه ادعاها و دعوای سیاسی و مذهبی نه تنها از زمان زرتشت و جاماسب به بعد شکل گرفتند و در ایران باستان همواره به شکل قدرتمندی میان طبقه حاکم و زیردستان وجود داشته‌اند، بلکه در دوران اسلامی نیز، ادامه یافته و شکل شدیدتری به خود گرفتند. حتی امروزه نیز با وجود گذشت قرن‌ها، بسیاری از گروه‌های مذهبی و سیاسی در ایران و جهان، جاماسب را در ردیف پیش‌گویان بزرگ تاریخ قرار داده و حوادث گذشته، حال و آینده را با پیش‌گویی‌های وی مورد مطابقت قرار می‌دهند.

۱-۲. پیشینه تحقیق

درباره جاماسب و به‌ویژه اندیشه‌ها و آثار پیش‌گویانه وی، پژوهش‌های فراوانی صورت پذیرفته‌اند که در این مقاله به معرفی مهم‌ترین آن‌ها خواهیم پرداخت. اما بیشتر این پژوهش‌ها به غیر از معرفی آثار، اندیشه‌ها و جایگاه سیاسی، مذهبی و به ویژه علمی جاماسب، به توصیف و تأیید توانایی و پیش‌گویی‌های او مبادرت ورزیده‌اند و کمتر اثری نگاه انتقادی و تحلیلی بدین پیش‌گویی‌ها و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری و باورمندی بدان‌ها را مد نظر قرار داده‌است. در حالی که این

مقاله، به غیر از معرفی جاماسب و آثار مربوطه، به مسأله‌ی صحت توانایی و پیش‌گویی‌های وی با توجه به زمینه‌های تاریخی، مذهبی و ... خواهد پرداخت.

۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

آن‌چه در این پژوهش همراه با بررسی جایگاه تاریخی جاماسب، اندیشه‌ها و نوشته‌های منسوب به او و بررسی دیگر آثار مهم زرتشتی و نوشته‌ها و دیدگاه‌های دیگر مورخین و پژوهشگران تاریخی ایرانی، عرب و غربی درباره‌ی وی، بیش از همه مورد نظر می‌باشد، «نگاه تحلیلی و انتقادی بر اساس واقعیت‌های تاریخی و علمی نسبت به اندیشه‌ها و پیش‌گویی‌های جاماسب» در آثار ذکر شده خواهد بود که با توجه به بهره‌برداری‌های سیاسی و مذهبی فراوان از این‌گونه پیش‌گویی‌ها، پرداختن بدین مسئله از ضرورت و اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد تا بدین وسیله بتوان جایگاه واقعی جاماسب را به دور از جنبه‌های احساسی و غیر عقلانی، به گونه‌ای منطقی و استدلالی ترسیم نمود.

۲. بحث

۱-۲. جاماسب‌نامه

در متن‌های ادبی و تاریخی گوناگونی به زبان‌های مختلف، جاماسب حکیم، وزیر گشتاسب و نویسنده «جاماسب‌نامه» خوانده شده‌است، کتابی که پیش از ظهور اسلام و حتی در اوایل دوره‌ی اسلامی نیز شهرت داشته و بر برخی جریان‌های سیاسی، ادبی، دینی و تاریخ‌نگاری تأثیر گذارده‌است (صفا، ۱۳۷۸/۱: ۲۵۳). بخش‌هایی از کتاب به زبان‌های پهلوی، فارسی و عربی موجود است، اما اصل آن به زبان اوستایی از میان رفته‌است. «جاماسب‌نامه» به‌ویژه از جهت پیش‌گویی‌های تاریخی در باب آینده و همچنین به عنوان بازتابی از آموزه‌های زرتشت، نزد زرتشتیان از مقدس‌ترین کتب مذهبی به شمار می‌رود (Dhalla, 1914: 326). از متن اصلی و به خط اوستایی جاماسب‌نامه همچون اوستای زرتشت، چیزی باقی نمانده‌است و تمامی مطالب در این باب، به صورت شفاهی و یا به نقل از کتب دیگر منتقل گشته‌اند. کهن‌ترین نسخه‌ی پهلوی شناخته‌شده، متعلق به «دستور پشوتن» در اوایل سده ۱۵م در بمبئی می‌باشد که شامل ۴ فصل و ۳ قطعه افزوده و در مجموع حدود ۵ هزار کلمه است. نسخ پهلوی دیگر، متعلق به «مانکجی رستم جی اونوالا»، میان سال‌های ۱۶۶۸ تا ۱۷۳۵م و همچنین، «دستور ادالجی» در سال‌های ۱۸۶۱ تا ۱۸۶۲م و چند متن پهلوی دیگر در مجموعه‌ی اونوالا می‌باشند (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۷۳ تا ۱۷۶).

از نسخه های پازند^۱، یکی نسخه‌ای است به کتابت «رانا جشنگ»، موبد بزرگ نوساری که در دوره اکبرشاه مغول می‌زیست. نسخه فارسی جاماسی در دست نوشته‌ای از نویسنده‌ای نامعلوم شامل برگ‌های ۱۳۳ تا ۱۵۱ موجود است که از انتها افتادگی دارد (منزوی، ۴/۱۳۸۲: ۲۸۹۷ و ۲۸۹۸؛ ۳۰۸۹ و ۳۰۹۰). در چند متن زردشتی فارسی نیز برخی متن‌های «جاماسب‌نامه» درج شده‌اند. در «روایات داراب هرمزدیار» تألیف ۱۶۸۰م، روایتی با عنوان «چند چیز و نشانه‌ای که جاماسپ حکیم فرموده‌است»، به صورت منظوم در ۳۰ بیت، درباره پرسش‌های جاماسب از زردشت آورده شده که سراینده، آن را از متن پهلوی نقل کرده‌است (هرمزدیار، ۱۹۲۲: ۴۸۲). متن دیگر فارسی، نوشته‌ای است با عنوان «سخنی چند دیگر از احکام جاماسپ» یا «حکایت جاماسپی» که بیشتر بر جنبه نجومی وی تاکید شده‌است (Hodivala, 1920, 2: 109-131). از این اثر، روایتی با عنوان «حکم جاماسب» به سال ۷۵۴ه.ق یافت شده‌است که به همراه چند اثر فارسی زردشتی دیگر، توسط «زردشت بهرام پژدو» در سده ی ۱۳ م به چاپ رسیده‌است (بهرام پژدو، ۱۲۶۷: ۱۶۰). همچنین، در متن فارسی متأخری، سروده‌ای در ۶۲ بیت با عنوان «صدریه» آمده‌است که شامل پیش‌گویی‌هایی جاماسب، به‌ویژه در ارتباط با تاریخ اسلام می‌باشد (ن.ک: همدانی، ۱۳۴۲ه.ق).

غیر از نسخه‌های اصلی، درباره جاماسب‌نامه کتاب‌هایی نیز به چاپ رسیده‌اند؛ از جمله «فریدریش اشپیگل» آلمانی که بخش‌هایی از این اثر را در سال ۱۸۶۰م به چاپ رسانده و پیش‌تر نیز، در کتاب «دستور زبان پارسی»، قطعه‌ای از جاماسب‌نامه، نسخه موجود در کتابخانه بادلیان را که به باور او در زمره مهم‌ترین منابع تاریخ اساطیری ایران است، نقل و شرح نمود (Haug, 1891: 42). «جیوانجی جمشید جی مدی» نیز در ۱۹۰۳م اثری منتشر می‌نماید که متن پهلوی و فارسی جاماسب‌نامه، ترجمه آن به زبان‌های گجراتی و انگلیسی و متن پازند آن را در بردارد و در دیباچه نیز، شرح جامعی‌ای در معرفی جاماسب و جاماسب‌نامه آورد که جامع‌ترین اثر در این باره می‌باشد (Modi, 1903: 25). در سال ۱۹۰۴م، «ادوارد وست» با استفاده از دست نوشته متعلق به «دستور پشتون جی بهرام جی سنجانا»، بخشی از جاماسب‌نامه را همراه با آوانوشت آن و پاره‌ای یادداشت‌ها به چاپ رساند. «مسینا» نیز متن پازند جاماسب‌نامه را به همراه بخش‌های گم شده پهلوی آن بازسازی نموده و با برگردانی به ایتالیایی همراه با یادداشت‌هایی به چاپ رسانده‌است (Messina, 1939, 3: 127).

جاماسب نامه، دربردارنده پرسش‌های گشتاسب شاه و پاسخ‌های جاماسب می‌باشد. در فصل یکم، گشتاسب چنین می‌پرسد که دین زردشتی تا چند سال رواج خواهد داشت و از پی این دوره، چه زمانه‌ای فرا می‌رسد؟ جاماسب در پاسخ، رویدادهای پایان هزاره نخست پس از زرتشت را شرح داده و از انحطاط اخلاقی و انحراف از دین سخن می‌گوید و این که به همین سبب، سختی‌های فراوانی چون گرما، سرما، خشکسالی، زمین لرزه، جنگ و سلطه فرومایگان و بیگانگان بر مردم می‌رسد. جاماسب آن گاه این آفت‌ها، به ویژه سلطه بیگانگان را با شرح بیشتری باز می‌گوید و این که سرانجام، شاه پدشخوارگر^۲ با پیام مهرایزد، به ستیز با دشمنان برخاسته و بر آنان چیره می‌شود. آن گاه «پشوتن»، پسر گشتاسب، که از جاودانان زردشتی ست، برای یاری دین و «هوشیدر» - به عنوان نخستین منجی - از «کنگ دژ»^۳ بیرون آمده و در پی آن، با ظهور «هوشیدر»، هزاره او آغاز می‌شود.^۴

در فصل دوم، جاماسب، بلایای طبیعی و آشوب‌ها و جنگ‌های این دوره و در فصل سوم، شرحی در باب رستاخیز و تن‌پسین را باز می‌گوید. فصل چهارم، پرسش زردشت درباره پاداش روان در گذشته و پاسخ اورمزد به این پرسش است که از زبان جاماسب بیان می‌گردد (تاوادیا، ۱۳۴۸: ۱۷۳). به این متن، ۳ قطعه کوتاه افزوده شده که قطعه نخست درباره نشانه‌های ظهور «هوشیدر»، قطعه دوم در باب برخی پیش‌گویی‌های جاماسب و سومین قطعه نیز پاسخی ست به پرسش گشتاسب درباره مدت پادشاهی او و نیکی‌ها و کارهایی که باید انجام دهد (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۷۴).

۲-۲. یادگار جاماسب

اثر منشور بلندتری به نام «یادگار جاماسب یا جاماسبی» وجود دارد که متشکل از هفده فصل می‌باشد. این کتاب از آثار پیش‌گویانه به زبان پهلوی در قالب پرسش و پاسخ میان جاماسب و گشتاسب بوده که مشتمل بر مهم‌ترین آموزه‌های دین زردشتی و مجموعه ارزشمندی از رویدادهای تاریخی، اساطیری و باورهای عامیانه است.

«یادگار جاماسب» کتابی ست به زبان پهلوی و از نویسنده‌ای ناشناس که اصل آن از میان رفته و تنها چند قطعه از آن به زبان پهلوی و یا به پازند و فارسی وجود دارد (تاوادیا، ۱۳۴۸: ۱۷۵). از آنجا که کتاب، پادشاهی اشکانی را خوشنام و بازگرداننده عظمت از دست‌رفته ایران می‌خواند و لقب پهلوی «بیدخش» را برای

جاماسب به کار می‌برد، می‌توان گفت که متن اولیه آن در این دوره نوشته شده و در سده‌های بعدی مطالبی را بدان افزوده‌اند.

متن کامل این اثر را مسینا، در سال ۱۹۳۹م با توجه به متون ناقص پهلوی، پازند و عربی جمع‌آوری کرده‌است. پیش از مسینا، وست و مودی بخش‌هایی از یادگار جاماسب را در شش فصل به چاپ رساندند و یلی نیز فصل شانزدهم را همراه با یادداشت‌های مفصل منتشر نمود. امیل بنونیست در پژوهش خود درباره این فصل، از ارتباط آن با دیگر متون مکاشفه‌ای ایرانی و غیر ایرانی سخن گفته‌است (Benveniste, 1932). در کتاب «روایات داراب هرمزدیار» که شامل موضوعات گوناگون از نجوم و فقه تا حکایات و اساطیر می‌باشد و به خطوط مختلف اوستایی، پهلوی، پازند و عربی نوشته شده‌است، نوشته‌هایی از یادگار جاماسب آمده‌است (هرمزدیار، ۱۹۲۲/۲: ۱۰۷).

«یادگار جاماسب»، از اهمیت فراوانی در شناخت جاماسب برخوردار است. فصل نخست به دانش و قدرت پیش‌گویی او تعلق دارد؛ از جمله این که جاماسب حتی می‌داند در تن هر گوسفند چند تار مو وجود داشته و چند تار آن سیاه و چند تار آن سفید است و یا تعداد قطرات بارانی را که بر دشت و دریا می‌بارد، می‌داند. فصول دوم و سوم درباره نحوه آفرینش جهان بوده و سپس فهرستی از فرمانروایان بر حسب سنت پیش‌گویانه، از کیومرث تا کی لهراسپ می‌آید.

از فصل چهارم، مباحث کتاب مربوط به پادشاهان پیش از گشتاسب، پادشاهی گشتاسب و همچنین پادشاهان پس از او می‌باشد. این فصول، مملو از باورهای اساطیری درباره پادشاهان اسطوره‌ای و تاریخی ایران و پیش‌گویی‌های جاماسب در مورد آینده است. برای مثال، دوران پادشاهی جمشید را هفتصد و هفده سال و هفت ماه، دوره پادشاهی خسرو انوشیروان را چهل و هفت سال و هفت ماه و هفت روز و دوران سلطه ی تازی‌ها را سیصد و هشتاد و دو سال و نه ماه و هفت روز و چهار ساعت ذکر کرده‌است. (تاوادیا، ۱۳۴۸: ۱۷۶)

فصل‌های پنجم تا یازدهم، به ذکر نام، فرهنگ، جغرافیا، سیاست و اقتصاد سرزمین‌ها و مردمان روزگاران کهن اختصاص دارند که عبارتند از: آرز، سوه، فردکش، ویدکش، وروبرشت، ووروزرشت، ساکنان البرز، کنگ‌دژ، ورجمکرد، ایرانویج، هندوستان، چین، ترکستان، تاجیکستان، بربرستان، سیلان، مردمان آبی، مازندران، دوالپایان، سگساران، سرزمین کوتوله‌ها، برچشمان و سرزمین برگوشان.

جاماسب برخی از این مردمان را اهریمنی و برخی را اهورایی می‌خواند.

در فصل یازدهم، جاماسب با این پرسش فلسفی مهم مواجه می‌شود که چرا

اورمزد مردمان شرور را آفریده‌است؟ او بر اساس اوستای زرتشت، اهریمن را عامل گمراهی آفریده‌های اهورامزدا و اخلال در کار آفرینش می‌خواند. در فصل دوازدهم، پرسش و پاسخی میان گشتاسب و جاماسب در باب سرزمین و مردمان مازندران و ترکان مطرح می‌شود. در فصل سیزدهم جاماسب توضیح می‌دهد که همه این دانش غیرعادی و قدرت پیش‌گویی‌اش ناشی از خواست اورمزد و آموزش‌های زردشت بوده و می‌تواند آن‌ها را به افراد مستعد نیز بیاموزد. در فصل چهاردهم، شرحی درباره مدت سلطنت گشتاسب و نیکی‌ها و وظایف او می‌آید. در فصل پانزدهم، جاماسب نام پادشاهان ایرانی را پس از گشتاسب تا آمدن تازیان برمی‌شمارد (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۷۵).

فصولی که در باب پیش‌گویی‌های جاماسب بیشتر از همه مورد توجه، ترجمه، کتابت و اختلاف قرار گرفته‌اند، شانزده و هفدهم می‌باشند که به وقایع دور و نشانه‌های آخر زمانی اختصاص دارد. چنین پیش‌گویی‌هایی در باب آخرالزمان، قبلاً توسط زرتشت در اوستا صورت پذیرفت و جاماسب بر همان اساس، شرح مسووط‌تری در این باره می‌دهد. برای نمونه، به نقل از جاماسب، چنین آمده‌است که پس از چیرگی تازیان بر ایران، انواع پلیدی، پیمان شکنی، ریاکاری، دروغ و دورویی در ایران رواج یافته، آب و هوا آشفته می‌شود و باران بی‌هنگام می‌بارد، زلزله‌های بسیاری روی می‌دهند، افراد ریاکار و نادرست به قدرت می‌رسند و درستکاران خوار و خفیف می‌شوند؛ به گونه‌ای که مردم از مرگ خود شاد می‌گردند. ضمن آن، حمله ترکان به ایران و خونریزی‌های فراوان آنان نیز پیش‌گویی شده‌است. بر اساس این متن، در پایان هزاره نخست پس از زردشت، ترک و رومی و تازی در کنار رود اروند علیه ایرانیان جمع می‌شوند و آن قدر ایرانی می‌کشند که در اروند به جای آب، خون جریان می‌یابد و شهرهای ایران ویران می‌گردند. حمله بعدی از جانب سیستان و هندوستان انجام می‌شود که با کشتار بسیار همراه بوده و باعث ناامیدی فراوان ایرانیان می‌گردد. «هزاره زردشت» در اینجا به پایان می‌رسد و «هزاره هوشیدر» آغاز می‌گردد. پس از ظهور «هوشیدر» و بهتر شدن اوضاع، زمستان با سرمای فوق‌العاده فرا می‌رسد که سبب مرگ بسیاری می‌شود. پس از پایان سرما، مردم به جای مانده بیرون آمده و جهان را دوباره می‌سازند. آن‌گاه، «هزاره هوشیدرماه» و پس از او، «هزاره سوشیانت» آغاز می‌شود. سوشیانت به عنوان آخرین منجی، جهان را پر از عدل و داد کرده، اهریمن را از میان می‌برد و بدین‌گونه، رستاخیز شکل می‌گیرد (شاهرخ، ۱۳۸۸).

۲-۳. زند و هَمَن یَسَن

«زند و هَمَن یَسَن» که «بهمَن یشت» نیز خوانده می‌شود، شامل یک رشته حوادثی راجع به آینده مردم و دین در ایران است که اورمزد در قالب پیش‌گویی به زرتشت اعلام می‌دارد. این پیش‌آمدها، هر کدام در دوره مشخصی اتفاق می‌افتند و دوره ماقبل آخر که راجع به تاخت و تاز «دیوان ژولیده موی از تخمه خشم» و «اهریمن نژادان چرمین کمر» می‌باشد، قسمت عمده متن کتاب را تشکیل می‌دهد (هدایت، ۱۳۴۲).

تاریخ نگارش کتاب مشخص نیست، ولی در عین حال، به جاماسب و گاه زرتشت نسبت داده می‌شود؛ از محتوای آن پیداست که این کتاب را، موبدان در زمان اردشیر، بنیانگذار سلسله ساسانی، نوشته‌اند و در طول سلطنت ساسانیان از ۲۲۴ تا ۶۵۱ م یعنی ۴۲۷ سال، که دین زرتشت، دین رسمی و موبدان نیز از قدرت بلامنازعی برخوردار بوده‌اند، بارها تجدید نظر و دستکاری شده‌است که از جمله ذکر نام انوشیروان و مزدک در کتاب می‌باشد. همچنین این کتاب، دارای مضامین به شدت ملی‌گرا در رابطه با حفظ کشور و پادشاهی از اهریمنان بوده و از دشمنان خارجی چون ترکان، توران، اعراب، هند، چین و ... در آن بسیار سخن گفته شده‌است که پادشاهان ساسانی در دوره‌های مختلف درگیر نزاع و یا تهدید از سوی آن‌ها بوده‌اند. در باب آن چه که در خصوص اوضاع ایران در روزگار حمله و سلطه تازیان نوشته شده‌است، چنین پیداست که «زند و هَمَن یَسَن»، حتی در دوره اسلامی نیز، توسط موبدان و برخی نویسندگان ایرانی ضد سلطه عرب، دستکاری شده‌است.

۲-۴. یادگار زیران

«یادگار زیران» برگرفته از نام زیریر، برادر گشتاسب، می‌باشد که به پیش‌گویی‌های جاماسب، ماجرای جنگ‌های میان ایران و توران و به‌ویژه دلاوری‌های زیریر در این جنگ‌ها، اشاره دارد. این کتاب، به زبان پهلوی بوده که در قرن پنجم یا ششم میلادی توسط فرد یا افرادی ناشناس تدوین و برگرفته از داستان‌های حماسی و مذهبی شفاهی می‌باشد. در این اثر، به دانایی و پیش‌گویی‌های جاماسب تأکید و اشاره‌های بسیاری می‌شود؛ از جمله این که اگر ده روز باران بیارد، وی حساب قطرات را می‌داند (آسانا، ۱۳۷۱: ۵۲) و می‌داند که از گل‌ها کدام یک روز می‌شکفتد، کدام یک شب و کدام در فردا و این که کدام هوا آب دارد و کدام ندارد (غیبی، ۱۳۸۰/۱۲: ۵۴ تا ۶۲).

موضوع اصلی کتاب در خصوص پذیرش دین زرتشت توسط گشتاسب و اشاعه‌ی سریع آن در سرزمین‌های ایرانی و همجواری است که خشم ارجاسب تورانی و زمینه‌های جنگ میان دو کشور را فراهم می‌سازد. قبل از آن، ارجاسب نامه‌ای به گشتاسب نوشته و او را از پذیرش و اشاعه‌ی دین جدید که آن را ساختگی و دسیسه‌ای برای ایجاد آشوب در کشورهای همسایه می‌خواند، باز می‌دارد، اما گشتاسب این تهدید را نپذیرفته که بدین وسیله سبب شعله‌ور شدن آتش جنگ می‌گردد. قدیانی، ۱۳۸۷/۲: ۸۵۹). در پی آن، گشتاسب به جاماسب دستور می‌دهد تا حوادث جنگ با تورانیان را پیش‌بینی نماید. جاماسب نیز از گشتاسب قول گرفت تا اگر پیش‌بینی او به ضرر شاه بود، وی را زنده گذارد؛ بنابراین جاماسب اتفاقات جنگ را پیش‌گویی نموده، اظهار داشته که در این نبرد، بسیاری از سربازان از جمله بیست و سه تن از نزدیکان گشتاسب از جمله زریر، کشته خواهند شد. گشتاسب از شنیدن این پیش‌گویی در غم و اندوه بود که فرزندان، برادران، فرماندهان و سایر درباریان رسیدند و هر یک به شاه وعده دادند که خیونان را شکست خواهند داد. ارجاسب، شاه تورانی، صد و بیست هزار سرباز داشت، اما اسفندیار پسر گشتاسب که در اوستا فراوان ستوده شده است، همراه با زریر و دیگر مردان شجاع گشتاسب، همه آن سربازان را می‌کشند. در نهایت، اسفندیار فقط ارجاسب را زنده می‌گذارد، اما یک دست، یک پا و یک گوش او را بریده، یک چشمش را کور می‌کند و او را سوار بر خر دم بریده، به شهرش روانه می‌کند (آسانا، ۱۳۷۱: ۵۳ تا ۶۲). در این جنگ، زریر برادر شاه کشته می‌شود و گشتاسب نیز در غم او بسیار می‌گریزد و در سراسر کشور عزای عمومی اعلام می‌دارد.

۲-۵. جاماسب در دیگر آثار تاریخی، ادبی و مذهبی

به غیر از کتاب‌ها و رساله‌های پهلوی و فارسی میانه، آثار بسیار مهم دیگری نیز به زبان‌های مختلف وجود دارند که برای جاماسب ارزش و جایگاه تاریخی خاصی قائل‌اند و چند رساله نیز در فلسفه، مذهب، تاریخ، نجوم، پزشکی، کیمیا و به‌ویژه علوم غریبه به او نسبت می‌دهند. از جمله، ابو منصور محمد دقیقی (۳۲۰ تا ۳۵۹ خ) و همچنین ابوالقاسم فردوسی (۳۱۹ تا ۳۹۷ خ) در شاهنامه‌های خود، ابیات بسیاری در باب جنگ ایران و توران و وصف جاماسب سروده و با القابی چون پیر، گرانیه، جهان‌دیده، فرخنده، دستور، رهنمون گشتاسب، سر موبدان، شاه ددان، چراغ بزرگان و اسپهبدان، پاک‌تن، تابنده‌جان، بی‌همتا در دانش، چاره‌دان

و چاره‌جوی و آشکارکننده نهران بر اساس علم ستاره‌شناسی از او یاد می‌کنند (دقیقی، ۱۳۶۸ و فردوسی، ۱۳۷۹: ۶۸۰ تا ۶۸۳).

همچنین، در «فرهنگ الملوک و اسرار العجم» نیز، روایت‌های پیش‌گویانه و آثار نجومی متعددی درباره جاماسب ذکر شده است (منزوی، ۱۳۸۲/۴: ۲۸۹۷ و ۲۸۹۸ و ۳۰۸۹ و ۳۰۹۰). سنایی نیز در «حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه» (سنایی، ۱۳۵۹) و خاقانی در «دیوان» خود (خاقانی، ۱۳۷۵)، بر مقام دانایی، منجمی و پیشگویی جاماسب اشاره می‌نمایند. ابن‌الدیم در «الفهرست»، جاماسب را یکی از حکمای ایرانی می‌خواند که در صنعت کیمیا بحث نموده و کتاب «جاماسب فی الصنعه» از اوست. وی در شرحی به نقل از ابوسهل، از پیش‌گویی‌های جاماسب یاد می‌کند که آیندگان را از حمله اسکندر بیم داده و این که علوم و کتاب‌های بسیاری به سرزمین خود آورده است (ابن‌الدیم، ۱۳۴۳: ۳۰۰ و ۴۲۰). «شرفنامه منیری» نیز جاماسب‌نامه را از مصنفات جاماسب می‌داند (ن.ک: فاروقی، ۱۳۸۵/۱: ۳۲۱).

صاعد اندلسی در سده ۵ ق، کتاب جاماسب را اثری گران قدر و در زمره کتاب‌های مهم ایرانیان می‌شمارد (اندلسی، ۱۳۷۶: ۱۶۱). بلعمی جاماسب را صاحب کتاب‌هایی در طب و هندسه و احکام دانسته و او را حکیم، عالم به غیب و سرداری مبارز می‌خواند (بلعمی، ۱۳۴۱: ۶۶۴ و ۵۶۹). ابن‌خلدون نیز جاماسب را دانا و مترجم آثار زردشت می‌خواند (ابن‌خلدون، ۱۳۶۴/۲: ۳۲۳). بیرونی برخی از مراسم مربوط به جشن بهمنگان، نظیر چیدن گیاهانی خاص به ویژه گیاه مقدس هوم و تهیه بخور و سوزاندن‌ها (بیرونی، ۱۳۸۰: ۲۸۱) و حمدالله مستوفی نیز تقدس سرو را در آیین زرتشتی، به جاماسب نسبت می‌دهند (مستوفی، ۱۳۷۸: ۱۴۳).

محمد زکریای قزوینی، جاماسب را در زمره ده نفر ایرانی می‌داند که در همه اصناف به ویژه نجوم مثل ایشان نبوده است (قزوینی، ۱۳۴۱: ۳۱۳ و ۳۱۴). در متن پهلوی متأخری، پس از اشاره به منصب وزارت جاماسب، دانایی و تسلط او بر علم نجوم، آمده است که جاماسب در پارس، پرستش‌گاهی با دینه بنا نموده و هر که پاره و یا چیزی از آن بردارد، او را راه و توان بیرون آمدن نباشد، مگر آنکه پاره را به جای خویش نهد. همچنین هر پادشاه یا صاحب منصبی که بدان جا رسد، اگر سوار بر اسب از برابر آن بگذرد، در همان سال از منصب بیفتد یا بمیرد. (خواند میر، ۱۳۵۳/۴: ۶۳۳). برخی این پرستش‌گاه را همان سکوی سنگی بازمانده در نزدیکی روستای کراة خفر جهرم در استان فارس می‌دانند که به قبر جاماسب حکیم مشهور است (حسینی، ۱۳۶۲: ۱۷؛ مجمل، ۱۳۱۸: ۴۶۳ و مصطفوی، ۱۳۴۳: ۸۶).

برخی حتی در وصف مقام جاماسب معتقدند وی ظهور پیامبران ابراهیمی در آینده را نیز بشارت داده‌است. برای نمونه، در «فرهنگ آندراج» چنین آمده‌است: «نامه‌ای از جاماسب به پارسی قدیم موجود است که نظرات کواکب را به رمز بیان نموده، مقارنات اختران را طالع وقت نهاده و بر آن اساس حکم نموده‌است. گویند پنج هزار سال از روزگار آینده را باز نموده و از سلاطین و انبیا خبر داده‌است. در آنجا حضرت موسی (ع) را به «سرخ شبان باهودار»، حضرت مسیح (ع) را به نام «مادرش» و از حضرت رسول (ص) به «مهرآزما» تعیین کرده ...» (ن.ک: دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۴۶۹). نگارنده کتاب «لمعات النور» نیز، به نقل از جاماسب چنین می‌نویسد: «پیغمبر عرب، آخر پیغمبران باشد که در میان کوه‌های مکه پیدا شود ...، دین او اشرف ادیان باشد، کتاب او باطل گرداند همه کتاب‌ها را، دولت او پادشاهی عجم را بر باد دهد، دین مجوس و پهلوی را برطرف کند، آتشکده‌ها را خراب کند و تمام شود روزگار پیشدادیان و کیانیان و اشکانیان و ساسانیان» (شیرازی، ۱۳۴۱، ج ۱: ۲۳ تا ۲۵). به نقل از کتاب «بشارت عهدین» نیز: «جاماسب ظهور حضرت مهدی (ع) را پیش‌بینی کرده‌است و آن این که مردی بیرون آید از زمین تازیان و از فرزندان هاشم ... که زمین را پر از آبادانی و داد نماید و از داد وی باشد که گرگ با میش آب خورد ... و عمر به درازی کشد ... همه کس به دین مهر آزمای (اسلام) باز آیند و جور و آشوب از جهان برخیزد ...» (صادقی، ۱۳۳۶: ۲۴۳ تا ۲۵۸).

۲-۶. دیدگاه‌های انتقادی

در این باره که جاماسب، وزیر دانشمند و اندیشمند شاه گشتاسب کیانی بوده‌است، مورد تأیید مورخان برجسته و بسیاری از ایران و جهان می‌باشد. همچنین در انتساب کتاب «جاماسب‌نامه» نیز به وی تردیدی وجود ندارد؛ اما مهم‌ترین مسئله‌ای که درباره جاماسب مورد توجه، تأکید و تأمل قرار گرفته‌است، توانایی و اندیشه‌های پیش‌گویانه او می‌باشد. در این میان، بسیاری از مورخان و اندیشمندان به جای تأیید و یا صرف توصیف ادبیات مکاشفه‌ای و پیش‌گویانه در آثاری چون جاماسب‌نامه و ...، به نقد و بررسی مستدل و مستند چنین نوشته‌ها و اندیشه‌هایی نیز پرداخته‌اند. این دسته، بر توانایی پیش‌گویانه جاماسب در باب رویدادهای زمانه و پیشامدهای ملووق بر اساس علم ستاره‌شناسی و خرد و دانایی‌اش تأکید نموده، اما قدرت پیش‌گویی‌اش در باب مسائل ناآشکار و آینده‌های دور را مورد تردید قرار داده‌اند. از جمله «مری بویس»، هرگونه سنت پیش‌گویانه و ادبیات مکاشفه‌ای دین زردشتی را برگرفته از الهامات و

پیش‌گویی‌های خود زردشت دانسته که تنها زند آن به دست ما رسیده‌است. وی جاماسب‌نامه را متعلق به یک سنت دیرین پیش‌گویی ایرانی می‌داند که گونه‌های مختلف و آثار متعددی داشته و در دهه‌های پس از کشورگشایی‌های اسکندر رشد و بالندگی بیشتری یافتند و در اوایل دوره اسلامی هم برای توجیه رویدادهای پیش‌آمده، در تمام این متون دستکاری‌هایی صورت پذیرفته‌اند (Boyce, 1984: 75-57).

به گفته هولتگارد نیز: «مطالب این مجموعه از متون پهلوی که موضوعات مکاشفه‌ای در آن‌ها درج می‌باشند، به شیوه‌ای بیان شده که آشکار می‌کند سر و کار ما با خلاصه‌ها، منتخبات یا گردآوری روایات قدیمی تری است که البته مؤلفان عصر اسلامی آنها را با مقتضیات زمان سازگار کرده‌اند.» (Hultgard, 1983: 391) وی همچنین عبارات متعددی را برمی‌شمرد که در موضوعات مکاشفه‌ای پهلوی آمده و غالباً نشان می‌دهند که منشأ کلمات از اوستا می‌باشد.

کارلو چرتی در باب سنت مکاشفه‌ای موجود در متون اوستایی معتقد است که بخش عمده رساله «زند و همن یسن» را باید به دوره اخیر ساسانی یا آغاز عصر اسلامی متعلق دانست. از دید او، طرح دوره‌های هفت‌گانه که در «زند و همن یشت سوم» و «دینکرت چهارم» آمده، از سنت شاهنشاهی ست و بی‌گمان از گنجینه اسناد شاهی خسرو اول ساسانی به کتاب چهارم دینکرت راه یافته و نیز اقتباسی متعلق به نخستین سال‌های جهان‌گشایی اعراب می‌باشد (چرتی، ۱۹۹۵: صص ۱۳۵ تا ۱۳۷). صادق هدایت نیز که «زند و همن یسن» و فصول شانزدهم و هفدهم «یادگار جاماسب» را از پهلوی به فارسی ترجمه نمود، بدین‌گونه پیش‌گویی‌های تاریخی در باب آینده، تردید رواداشته و آن‌ها را جزء به جزء به نقد می‌کشد (هدایت، ۱۳۴۲، مقدمه و پانویس‌های کتاب).

مبنای آثار و اندیشه‌های پیش‌گویانه جاماسب، خود برگرفته و ملهم از آموزه‌های زرتشت در اوستا می‌باشد. اندیشه‌های زرتشت در بردارنده نکات اساسی و بنیادینی ست و از آنجا که بسیاری‌شان در همه منابع شفاهی و مکتوب از اوستا گرفته تا دیگر آثار مورخان ایرانی و غیر ایرانی قدیم و جدید مشترکند؛ بنابراین در انتساب آن‌ها به زرتشت قابل پذیرش می‌باشند؛ اندیشه‌هایی چون: در باب چگونگی خلقت، تاریخ‌نگاری وقایع، جنگ‌ها، پادشاهان، سلسله‌ها، تأکید بر عناصر دیالکتیکی چون «تضاد خیر و شر»، «اندیشه، عمل و گفتار نیک» و «دعاها و نیایش‌ها». با این وجود، اگرچه می‌توان چنین ساختارهای کلی و مشترک القولی از اندیشه‌های زرتشت را به وی نسبت داد، اما دستکاری‌های

عمده‌ای نیز در اوستا و اندیشه‌های او در دوره‌های بعدی، به‌ویژه ساسانیان که دین رسمی‌شان زرتشتی بوده و موبدان زرتشتی نیز در بسیاری مواقع قدرت‌شان از پادشاهان بیشتر بوده‌است، صورت پذیرفته‌اند. برای نمونه، در باب منجمان و حوادث آخر زمانی که جزء بدیهی‌ترین اندیشه‌های زرتشت و به تبع آن مبنای پیشگویی‌های جاماسب قرار گرفته‌اند، اگرچه در انتساب کلیت آنها به زرتشت جای تردیدی نیست، اما در باب مسائل جزئی و مصادیق نمی‌توان آنها را به زرتشت منتسب دانست. یکی از این گونه موارد قابل تأمل این است که در کتاب «اوستا» که معتبرترین ترجمه آن از زبان پهلوی به فارسی امروزی، توسط جلیل دوستخواه صورت پذیرفت، بسیاری از موارد پیش‌گویانه و جزئی در باب آخر زمان حذف شده و تنها خلاصه کوتاهی از آنها تحت عنوان «فروردین‌یشت»، بندهای ۹۶ تا ۱۴۲، به قلم مترجم در زیرنویس کتاب آمده‌است (دوستخواه، ۱۳۹۱: ۴۲۶).

همچنین، در اوستا و به زبان زرتشت، از واژه «سوشیانت» یا سوشیانس در جاهای مختلف کتاب تنها به صورت کلی و بدین گونه یاد شده‌است: «واپسین سوشیانت‌ها، هر یک از سوشیانت‌های خویشکار آشون راست، سوشیانت‌های دانا و راست‌گفتار، یاری‌کننده و خردمند، آرزوی بهروزی و پارسایی و پیروزی و خوشی روان برای سوشیانت‌های اشون، بخشنده‌ی آشه، مردانی که هنوز زاده نشده‌اند، یاران سوشیانت‌ها، پیکر سوشیانت‌ها، نوکننده جهان، نازادگان، دین سوشیانت‌ها، سوشیانت‌های زاده و نزاده و منش‌های کارآمد سوشیانت‌ها» (همان)؛ بنابراین در اوستا، هیچ نکته دقیق و جزئی از پیش‌گویی‌های تاریخی در باب آینده شامل شرایط قبل از ظهور، مشخصات منجیان و نحوه ظهور آنها وجود نداشته و تنها به کلی‌گویی در این باره بسنده شده‌است. بنابراین، آنچه که در باب هزاره‌ها، جزییات آمدن سوشیانت‌ها و پیش‌گویی‌های زرتشت و جاماسب در این باره آمده‌است، همگی در کتاب‌های زند و پازند موبدان چون «بهمن‌یشت» که در اوایل دوره ساسانی نوشته شده و یا کتاب «دینکرد» که در قرون دوم و سوم هجری، توسط موبدی به نام «آذر فرنبغ پسر فرخ زاد» و بعد از او «آذرپاد پسر امید» نگارش شده‌است، آورده شده‌اند.

۳. نتیجه‌گیری

در دوره‌های مختلف حکومت‌داری، قبل از ورود اسلام به ایران و پس از آن، بر اساس وقایع تاریخی مهم و بحران‌هایی چون روی کار آمدن و سلطه و

سرکوب‌گری سلسله و قبیله‌ای جدید، نزاع میان اقوام، غلبه کشورهای خارجی چون یونان و اعراب، ظهور پیامبران جدید و ...، گرایش برخی از متولیان مذهبی، حکومت‌ها، مورّخین و مردم عادی به سوی اندیشه‌های پیش‌گویانه گسترش یافته و هر دو گروه موافق و مخالف وضع موجود، از چنین اندیشه‌هایی برای نفی دیگری و اثبات حقانیت خود استفاده می‌نمودند. حتی در دوره اسلامی نیز با فساد و ستم‌ورزی حکومت‌های عربی اموی و عباسی، حمله مغول‌ها، حمله ی افغان‌ها، کشتارگری پادشاهان، جنگ‌ها، هرج و مرج، گسترش فقر، نابرابری، قحطی، خشک‌سالی، رواج بی‌اخلاقی‌ها و ... در جامعه، از این اندیشه‌های پیش‌گویانه استفاده‌های فراوانی شده‌است. این مسئله نه تنها در ایران، بلکه در سراسر جهان نیز در دوره‌های مختلف وجود داشته‌است.

جاماسب، تنها فرزانه‌ای حکیم و وزیر خردمند بوده که بر اساس دانش ستاره‌شناسی، خرد، آموخته‌ها و تجربه‌های خویش، پیش‌بینی‌ها، مشاوره‌ها و راه حل‌هایی در باب رخدادهای زمانه و نزدیک‌اش به پادشاه ارائه می‌نمود؛ بنابراین انتساب هرگونه گفتار و نوشتاری در باب پیش‌بینی وقایع دور و نامعلوم به جاماسب و از جمله زرتشت، همگی افزوده‌هایی‌اند که واقعیت نداشته و دارای دلایل و زمینه‌های سیاسی، مذهبی و غیره‌اند. شکل‌گیری بسیاری از آن‌ها، بیشتر به دوره ساسانیان باز می‌گردد، چراکه شکل‌گیری این سلسله در سال ۲۲۴ م، در ابتدا با استفاده از دو نیروی «شمشیر» و «حمایت‌های مذهبی» موبدان به رهبری «تسیر» صورت پذیرفته و تا انتها نیز در سال ۶۵۱ م، با همین دو نیرو در صدد حفظ قدرت خود برآمدند. سرانجام نیز، با تزلزل تدریجی در شمشیر و مذهب به علت جنگ‌های داخلی و خارجی متعدّد، اختلافات سیاسی، ظهور و گسترش مذاهب جدید، فساد اشرافیت حاکم و موبدان و ... این سلسله سقوط نمود. در تمامی دوره ساسانی، این سلسله در جنگ با دشمنان خارجی بسیار چون تورانیان، هندوها، رومیان، اعراب، آرامنه و قبایل مرزی بوده‌است. در داخل نیز نه تنها با قبایل و مدعیان سرسخت قدرت دست به گریبان بود، بلکه بزرگ‌ترین تهدیدی که این سلسله با آن مواجه گردید، ظهور دو پیامبر ایرانی جدید به نام‌های مانی و مزدک بود که هر دو دارای پیروانی بی‌شمار و اسباب ایجاد شورش‌های سراسری در کشور گردیدند، به گونه‌ای که نه تنها این دو به دار آویخته شدند، بلکه هزاران پیرو آن‌ها نیز در سراسر کشور دستگیر و یا قتل عام شده‌اند^۷ همچنین غیر از این دو مذهب، دین زرتشتی و جایگاه قدرتمند موبدان، در تهدید گسترش ادیان خارجی چون مسیحیت و یهودیت نیز قرار داشت؛ لذا بسیاری از این پیش‌گویی‌هایی که به

جاماسب نسبت داده می‌شوند، توسط موبدان ساخته شده‌اند تا به عنوان ابزاری برای کسب مشروعیت و سرکوب مخالفان مورد استفاده قرار گیرند. بعد از سقوط ساسانیان نیز، نه زرتشتیان و ایرانیان ضد سلطه اعراب از تخریب دین تازه وارد اسلام دست برداشتند و نه حکومت‌ها و مورخان مسلمان از تخریب عقاید زرتشتی بر اساس این گونه پیش‌گویی‌ها دریغ ورزیدند. به‌ویژه با ظهور جنبش‌های اجتماعی جدیدی چون بابک خرم‌دین و مازیار که دارای گرایش‌های ایرانی و ضد عربی بوده‌اند، چنین تاریخ‌سازی‌هایی از سوی دستگاه‌های فکری و مذهبی و سیاسی به صورت دو سویه و مشابه هم، شدت بیشتری گرفته و هر یک خود و یا دیگری را مصداق بارز این گونه آینده‌نگری‌های مذهبی و تاریخی می‌خواندند که به تدریج در باور بیشتر مردم، طبقه حاکمه و پیشوایان مذهبی به صورت یک اصل پذیرفته شده و در دوره‌های مختلف تا به امروز نیز استفاده از چنین استناداتی برای اهداف فوق‌همچنان ادامه دارند.

یادداشت‌ها

۱. زند به معنای تفسیر و پازند نیز تفسیر زند می‌باشد.

۲. تبرستان و گیلان.

۳. شهری با دژی عظیم در شرق ایران و در برخی دیگر روایت‌ها، تخت جمشید.

۴. در اندیشه‌های منسوب به زرتشت، اعتقاد بر این است که عمر جهان دوازده هزار سال بوده که به چهار دوره سه هزار ساله تقسیم می‌شوند. در دوران سه هزار ساله نخست، اهورامزدا، جهان مینوی، در سه هزار ساله دوم، جهان مادی و در سه هزار ساله سوم، بشر را می‌آفریند؛ اما در همین دوره، اهریمن به خودی خود و در مقابل اهورامزاد پدید می‌آید که با گسترش بیدادگری، دروغ و دیگر بدی‌ها، اهورامزدا در آغاز سه هزار ساله چهارم، زرتشت را برای هدایت و رهایی بشر از اهریمن به رسالت برمی‌گزیند. در پایان هزاره دهم و نزدیک به هزار سال پس از مرگ زرتشت و سپس در پایان هزاره یازدهم، به ترتیب و زمانی که جهان را دوباره بدی‌ها فرا گرفته و اهریمن غلبه می‌یابد، نخستین و آنگاه دومین منجی یا سوشیانت به نام‌های «اوخشیت اِرت» به معنای «پرواننده پرهیزگاری» و «اوخشیت مانگهه یا اوخشیت نم» به معنای «پرواننده نماز و نیایش» ظهور و قیام نموده و جهان را پر از عدل و داد می‌کنند؛ اما با مرگ آنها که دوباره اهریمن و بدی‌ها بر جهان غلبه می‌یابند، سرانجام به امر اهورامزدا، در پایان هزاره دوازدهم، سوشیانت یا موعود سوم به نام «استوت اِرت» قیام نموده، جهان مادی را پایان بخشیده، اهریمنان را از میان برده، جهان مینوی یا «آشه» را دوباره برقرار می‌سازد. زمینه‌های ظهور و قیام همه این منجیان، با ایجاد جنبش‌هایی از قبل آماده می‌گردند که نشانه‌های ظهور خوانده می‌شوند.

۵. وَهْمَن یا بهمن به معنای مرد نیک و خردمند، نام دیگر اردشیر ساسانی است.
۶. آشون به معنای رهرو راه آشه و آشه نیز به معنای راستی است.
۷. زمانی که مانی و به‌ویژه مزدک قیام نمودند، سراسر امپراتوری ساسانی را فساد، ستم‌گری، کشتار مخالفان، جنگ‌های داخلی و خارجی، فقر، نابرابری و بی‌عدالتی پادشاهان، شاهزادگان، نظامیان، زمینداران و موبدان فرا گرفته بود. از همین رو، مخالفان چنین گمان و تبلیغ می‌کردند که شرایط موجود، همان شرایط پیش از ظهوری است که زرتشت و جاماسب پیش‌بینی کرده بودند و مانی و مزدک نیز همان منجیان می‌باشند. این تفکر در دوره‌های بعدی نیز با حمله اعراب و ... تداوم بیشتری یافته و هیچ‌گاه از میان نرفت.

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

۱. آسانا، جاماسب جی دستور. (۱۳۷۱). **متون پهلوی**. گزارش سعید عریان. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۲. آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، (۱۳۸۶). **اسطوره زندگی زرتشت**. تهران: چشمه.
۳. ابن‌خلدون، عبدالرحمان. (۱۳۶۴). **العبر**. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۴. ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۴۳). **کتاب الفهرست**. ترجمه محمد رضا تجدد. تهران: ابن‌سینا.
۵. اندلسی، صاعد. (۱۳۷۶). **التعریف بطبقات الامم**. به کوشش غلامرضا جمشیدنژاد اول. تهران: هجرت و میراث مکتوب.
۶. بلعمی، ابوعلی محمد. (۱۳۴۱). **تاریخ بلعمی**. به تصحیح محمد تقی بهار و به کوشش محمد پروین گنابادی. تهران: وزارت فرهنگ.
۷. بهرام‌پژدو، زرتشت. (۱۲۶۷). **دینکرد نامه**. چ سنگی. بمبئی
۸. بیرونی، ابوریحان. (۱۳۸۰). **آثارالباقیه عن القرون الخالیه**. تحقیق و تعلیق از پرویز اذکابی. تهران: میراث مکتوب.
۹. تاوادی، ج. (۱۳۴۸). **زبان و ادبیات پهلوی**. ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. تفضلی، احمد. (۱۳۷۶). **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
۱۱. پورداد، ابراهیم. (۱۳۱۰). «آذرباد مهراسپندان». خرده‌اوستا. ترجمه همو. بمبئی.
۱۲. _____ (۱۳۸۹). **اوستا**. تهران: پارمیس.

۱۳. حسینی، محمد نصیر. (۱۳۶۲). **آثار العجم**. به کوشش علی دهباشی. تهران: فرهنگسرا.
۱۴. جکسن، آ.و. ویلیامز. (۱۳۵۲). **سفرنامه جکسون: ایران در گذشته و حال**. ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای. تهران: خوارزمی.
۱۵. خاقانی، افضل الدین. (۱۳۷۵). **دیوان**. به کوشش جلال‌الدین کزازی. تهران: مرکز.
۱۵. خواند میر، غیاث‌الدین. (۱۳۵۳). **حبیب‌السير فی أخبار افراد بشر**. تصحیح محمد دبیرسیاقی. تهران: خیام.
۱۶. **داستان گرشاسب، تهمورس، جمشید، گلشاه و متن‌های دیگر**. (۱۳۷۸). آوا نویسی و ترجمه متن پهلوی از کتابیون مزداپور. تهران: آگاه.
۱۷. دقیقی، ابو منصور. (۱۳۶۸). **دیوان دقیقی طوسی**. به کوشش محمدجواد شریعت. تهران: اساطیر.
۱۸. دوستخواه، جلیل. (۱۳۹۱). **اوستا: کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی**. تهران: مروارید.
۱۹. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). **لغت‌نامه**. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. زادسپرم، (۱۳۶۶). **گزیده‌های زادسپرم**. ترجمه محمد تقی راشد محصل. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۱. ژینیو، فیلیپ. (۱۳۷۲). **ارداویراف‌نامه**. ترجمه ژاله آموزگار. تهران: معین.
۲۲. سارتون، جورج. (۱۳۵۳). **مقدمه بر تاریخ علم**. ترجمه غلامحسین صدری افشار. تهران: دفتر ترویج علوم و وزارت علوم و آموزش عالی.
۲۳. سنایی غزنوی، ابوالمجد. (۱۳۵۹). **حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه**. تصحیح و تحشیه از محمد تقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
۲۴. شاهرخ، کیخسرو. (۱۳۸۸). **زرتشت: پیامبری که باید از نو شناخت**. تهران: جامی.
۲۵. شیرازی، محمد. (۱۳۴۱). **لمعاه النور فی کیفیه الظهور**. بی جا.
۲۶. صادقی، محمد. (۱۳۳۶). **بشارات عهدین**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. **صد در نثر، صد در بندهشن**. (۱۹۰۹م). به کوشش بهمن جی نوشیروانجی. بمبئی.
۲۸. صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۸). **تاریخ ادبیات در ایران**. تهران: ققنوس.
۲۹. غیبی، بیژن. (۱۳۸۰). **یادگار زیریران**. به کوشش ایرج افشار. تهران: بنیاد دکتر محمود افشار.
۳۰. فاروقی، ابراهیم. (۱۳۸۵). **شرف‌نامه منیری**. به کوشش حکیمه دبیران. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۳۱. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۹). **شاهنامه**. تهران: پیمان.
۳۲. قدیانی، عباس. (۱۳۸۷). **فرهنگ جامع تاریخ ایران**. تهران: آرون.
۳۳. قزوینی، محمد زکریا. (۱۳۴۱). **عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات**. به کوشش نصرالله سبوحی. تهران: کتابخانه مرکزی تهران.
۳۴. کریستن سن، آرتور. (۱۳۵۰). **کیانیان**. ترجمه ذبیح الله صفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۵. **مجمل التواریخ و القصص**. (۱۳۱۸). تصحیح ملک الشعرا بهار و به همت محمد رضانی. بی جا: بی نا و تصحیح ملک الشعرا بهار. (۱۳۸۹). تهران: اساطیر.
۳۶. مستوفی، حمدالله. (۱۳۷۸). **نزهت القلوب**. به کوشش سید محمد دبیر سیاقی. قزوین: طه.
۳۷. مصطفوی، محمدتقی. (۱۳۴۳). **اقلیم پارس**. تهران: انجمن آثار ملی.
۳۸. منزوی، احمد. (۱۳۸۲). **فهرست واره کتابهای فارسی**. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۹. هرمز دیار، داراب. (۱۹۲۲م). **روایات**. به کوشش مانک رستم اونوالا. بمبئی.
۴۰. هدایت، صادق. (۱۳۴۲). **زند و همن یسن**. تهران: امیرکبیر.
۴۱. همدانی، صدراالاسلام. (۱۳۴۲ق). **صدریه**. چ سنگی.
- ب. مقاله های فارسی**
۴۲. چرتی، کارلو. (۱۳۷۷). «زند و همن یسن، مکاشفه زرتشتی». ترجمه ع. رح بخشان. فصلنامه زبان و ادب فارسی. سال چهارم. شماره دوم. صص ۱۳۵ تا ۱۳۹.
۴۳. کارگر، داریوش. (۱۳۷۹). «باز سپید در آتشکده گمشده جاماسپ». مجله ایران شناسی. سال دوازدهم. شماره چهل و هفتم. صص ۵۷۰ تا ۵۸۷.

44. Bailey, Harold W. (1930). "To the Zamasp-Namak". Bulletin Of The School Of Oriental Studies. 6/1.
45. Benveniste, Emil. (1932). "Une apocalypse pehlevie: Le Gamaspnamak". Revue de l'Histoire des Religions.
46. Boyce, M. (1984). "On the Antiquity of Zoroastrian Apocalyptic". Bulletin of the School of Oriental and African Studies.
47. Haug, M. (1891). **Essays on the Sacred Language, Writings, and Religion of Parsis**. Ed. E. W. West. London.

48. Hodivala, Sh. H. (1920). **Studies in Parsi History**. Bombay.
49. Hultgard, Anders. (1983). "**Forms and origins of Iranian Apocalypticism**". in *Apocalypticism in the mediterranean world and the near East*. ed. D. Hellholm. Tubingen: Mohr.
50. Dhalla, M. N. (1914). **Zoroastrian Theology**. New York.
51. Messina, Giuseppe. (1939). **Libro Apocalittico Persiano Ayatkar I Zamasplk**. Roma. in *Iranica*. Jackson. A. V. W. (1965). *Zoroaster: The Prophet of Ancient Iran*. New York.
52. Modi, J. J. (1903). **Jamaspi, Pahlavi, Pazend and Persian Texts**. Bombay.